

تأثیر طوفان الاقصی بر پیمان ابراهیم در شبکه ژئوپلیتیک غرب آسیا

فرشید فرهادی

دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای دانشگاه جامع امام حسین (ع)

با آرامش نسبی بعد از طوفان ۷ اکتبر ۲۰۲۳، به تدریج ابهامات نیز پیرامون آن شروع شد. یکی از مهم‌ترین موارد مربوط به تأثیر این عملیات بر روند عادی سازی روابط اعراب و اسرائیل در قالب پیمان ابراهیم بود. عملیات طوفان الاقصی درست در زمانی رخ داد که مذاکرات مربوط به پیوستن عربستان به عنوان یکی از مهم‌ترین کشورهای جهان اسلام به پیمان ابراهیم، به مراحل حساس خود رسیده بود؛ بنابراین پرسشی اساسی مطرح شد و آن نیز اینکه با وقوع طوفان الاقصی، روند مربوط به پیوستن کشورهای عربی به پیمان ابراهیم با چه سرنوشتی روبه‌رو خواهد شد؟ جنایات بی سابقه اسرائیل در غزه، خراب شدن مسیر و به حاشیه رفتن پیمان ابراهیم از دستور کار را به ذهن متبادر می‌کرد اما با کمی تتبع و بررسی شواهد و نشانه‌ها می‌توان چنین گزاره‌ای را رد و استدلال کرد که برخلاف باور مطلوب و غالب مطرح شده، عملیات طوفان الاقصی باعث تضعیف و یا نابودی پیمان ابراهیم نخواهد شد. احتمالاً بعد از وقفه‌ای نامعلوم، دوباره روند پیوستن کشورهای عربی به پیمان نام برده از سر گرفته خواهد شد. این استدلالی منطقی است که احتمالاً همگرایی میان مثلث استراتژیک آمریکا، اسرائیل و اعراب بر علیه حماس تقویت خواهد شد. احتمالاً این مثلث، یکی از مهم‌ترین اقدامات خود را معطوف به حذف حماس از آینده سیاسی فلسطین خواهد کرد. هر چند که نابودی حماس غیرممکن و به حاشیه راندن آن در صحنه سیاسی و آینده فلسطین نیز معمای بفرنج خواهد بود. اسرائیل بعد از نزدیک به دو ماه عملیات نظامی، پیروزی چشمگیری در ارتباط با حماس به دست نیاورد و حتی یک اسیر نیز از سوی این رژیم در قالب عملیات نظامی، آزاد نشده است. سخت‌تر شدن شرایط، زمانی است که حماس به دلیل اقدامات خود بر علیه اسرائیل و آورده‌هایی مانند آزادی اسرای فلسطینی، محبوبیت آن در میان افکار عمومی فلسطینی‌ها و اعراب نیز گسترش خواهد یافت؛ بنابراین، حذف و طرد آن از آینده سیاسی فلسطین نیز به آسانی امکان پذیر نخواهد بود.

با پیش‌گامی مصر در سال ۱۹۷۸ در «کمپ دیوید»، اعراب به تدریج وارد مسیر پذیرش این فرزند نامشروع در سرزمین‌های اسلامی و فراموشی آرمان فلسطین شدند. در سال ۱۹۹۴ با وساطت بیل کلینتون، اردن نیز راه مصر را پیمود. البته این فرایند در دو دهه بعد، به دلیل زیاده‌خواهی اسرائیل، «ایده خاورمیانه بزرگ» و توسعه قدرت و نفوذ محور مقاومت در ژئوپلیتیک غرب آسیا به تعویق افتاد (Kamrava, ۲۰۱۸: ۳).

اما با بن‌بست استراتژیک در معادله نظامی محور مقاومت و آمریکا، در پی ابقای بشار اسد به عنوان حلقه میانی کمربند ژئوپلیتیکی و ژئوکالچری محور مقاومت، در سال ۲۰۱۷ دونالد ترامپ فرایند پذیرش اسرائیل از سوی اعراب و خارج کردن این رژیم از حصر ژئوپلیتیکی ناشی از محور مقاومت را در قالبی نوین با عنوان «پیمان ابراهیم» در دستور کار قرار داد (Yossef, ۲۰۲۱: ۱۵).

بحرین، مراکش، امارات و سودان در سال ۲۰۲۰ به این کمپین پیوستند (Dana, ۲۰۲۳). در سه سال بعد، مذاکرات دویه‌دو با سایر کشورهای عربی در راستای پیوستن آنها به پیمان و گسترش دامنه آن در منطقه و جهان اسلام در جریان بود. به تدریج در اواسط سال ۲۰۲۳ اولین زمزمه‌ها مبنی بر مذاکرات عربستان و اسرائیل و پیوستن سعودی‌ها به عنوان مهم‌ترین و بزرگ‌ترین کشوری عربی به پیمان شنیده شد (Vakil and Quilliam, ۲۰۲۳).

اما در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ وقوع یک شگفتی بزرگ با عنوان «طوفان الاقصی» در صدر تمامی اخبار جهان قرار گرفت. حماس در این عملیات بدیع و شگفت‌انگیز،

سازه محیطی شبکه ژئوپلیتیک غرب آسیا همواره آکنده از تنش و تضاد بوده است (Zhongmin, ۲۰۱۶: ۵). با شکل‌گیری چارچوب منطقه بعد از جنگ جهانی اول تا به امروز، منطقه همواره در آتش بی‌ثباتی در حال سوختن است (Gill, ۲۰۲۱: ۲).

اما این سرنوشت شوم و تراژدیک منطقه، دارای علت و دلایلی است. یکی از مهم‌ترین دلایل بی‌ثباتی در منطقه غرب آسیا، ترسیم تصنعی مرزهای منطقه توسط قدرت‌های فرامنطقه‌ای است (Abi-Aad and Greno, ۱۹۹۷: ۲۵).

مرزهای منطقه منطبق با تقسیم‌بندی‌های اجتماعی و فرهنگی منطقه نیست حتی فراتر از این موضوع، منطقه با یک زائده بدخیم برساخته توسط قدرت‌های فرامنطقه‌ای روبه‌رو است که در هفت دهه گذشته، بلای جان صلح و ثبات در منطقه است.

این بلای تحمیلی از سوی کارگزاران آشوب در منطقه (قدرت‌های فرامنطقه‌ای)، اسرائیل است. در سال ۱۹۱۷ دولت بریتانیا در قالب «اعلامیه بالفور» مقدمات تولد فرزندی نامشروع و شرور در غرب آسیا را فراهم کرد (Shlaim, ۱۹۹۹: ۵).

این فرزند نامشروع در ۱۴ می ۱۹۴۸ در حوزه شامات شبکه منطقه‌ای غرب آسیا و به طور خاص، محدوده سرزمین باستانی فلسطین متولد شد. اقدامات فلسطینی‌ها به کمک سایر یاران عرب خود در طی نبردهای ۱۹۴۸، ۱۹۵۶، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ برای نابودی این زائده شوم، راه به جایی نبرد. با شکست گسترده اعراب، آنها به تدریج دلسرد و سرخورده و در پی آن، از میدان مبارزه خارج شدند (Kober, ۲۰۰۶: ۴).

از ۱۹ هزار نفر نیز به شهادت رسیدند (Wafa News agency, ۲۰۲۳).

با شروع عملیات زمینی نیز از سه محور شمالی، شرقی و جنوبی، حلقه محاصره شهر غزه هر روز در حال تنگ‌تر شدن است. چنین اقداماتی از سوی اسرائیل، این واقعیت را که این اقدامات پیمان ابراهیم و روند عادی سازی روابط اعراب و رژیم را به حاشیه و سرانجام نابودی سوق خواهد داد را هر روز پررنگ و برجسته‌تر کرد اما چنین واقعیتی به دو دلیل اساسی منتفی است؛

نخست اینکه اسرائیل هدف نهایی خود را نابودی حماس اعلام کرده است و جنایات خود را تحت چنین لوایی مشروع می‌داند اما این هدفی است که مورد حمایت اعراب نیز است. به تعبیری اعراب برخلاف ظاهر امر در اشغال غزه و نابودی حماس، دارای منافع مشترک با اسرائیل هستند. اعراب بی‌میل نیستند که حماس به عنوان یکی از حلقه‌های محور مقاومت از سوی اسرائیل نابود شود.

بر کسی پوشیده نیست که مهم‌ترین دغدغه منطقه‌ای کشوری مانند عربستان سعودی، مهار توسعه قدرت و نفوذ محور مقاومت در ژئوپلیتیک غرب آسیا است. عربستان در سوریه از هیچ تلاشی برای نابودی بشار اسد دریغ نکرد. در یمن نیز نبردی گسترده را بر علیه جنبش انصارالله از سال ۲۰۱۵ شروع کرد؛ بنابراین، اینکه بدون کمترین هزینه، یکی از حلقه‌های محور مقاومت به طور نیابتی توسط اسرائیل نابود شود، سناریویی مطلوب برای عربستان خواهد بود.

دوم اینکه یکی از ابعاد مهم روند عادی سازی روابط اعراب و اسرائیل، موضوع تعیین تکلیف سیاسی

ضربات تاریخی و بی‌سابقه‌ای را بر پیکر اسرائیل وارد کرد. در بحبوحه سخن از آثار و ابعاد این عملیات بزرگ، یکی از مهم‌ترین بحث‌ها، تأثیر این واقعه بر روند عادی سازی روابط اعراب و اسرائیل بود. به تعبیری این دغدغه مطرح شد که با وقوع عملیات طوفان الاقصی، پیمان ابراهیم چه سرنوشتی خواهد یافت؟ آیا این عملیات، روند پیوستن کشورهای عربی به صلح و سازش با اسرائیل را تحت تأثیر قرار خواهد داد؟ آیا طوفان الاقصی می‌تواند همان شگفتی باشد که شیب روند و مسیر آن را منحرف و متحول کند؟

طوفان الاقصی و پیمان ابراهیم

در پاسخ به پرسش‌های مطرح شده، می‌توان این پیش‌بینی اولیه را مطرح کرد که عملیات طوفان الاقصی تنها باعث تعویق روند عادی سازی روابط اعراب و اسرائیل خواهد شد. بعد از وقفه‌ای نامعلوم که البته طولانی نخواهد بود، دوباره مذاکرات اعراب و اسرائیل احتمالاً آغاز خواهد شد. رصد الگوی رفتاری بازیگران تأثیرگذار در این فرایند از ۴۵ روز گذشته به این سو، به خوبی این پیش‌بینی اولیه را حمایت و پشتیبانی می‌کند.

اسرائیل

پاسخ اسرائیل به طوفان الاقصی، وحشیانه و مهیب بود. این رژیم با شروع حملات در دو ماه گذشته به این سو، شدیدترین اقدامات را بر علیه باریکه غزه در دستور کار قرار داده است. در یک ماه نخست، در نتیجه حملات سنگین هوایی بیش از ۶۰٪ از سازه‌های مسکونی شهر غزه با خاک یکسان شد. بر اساس برخی تخمین‌ها، اسرائیل معادل ۲ بمب اتمی، مواد منفجره بر سر مردم غزه فروریخت. بیش

بنابراین، اقدامات اسرائیل در راستای تصرف غزه و حذف حماس، خواسته و یا ناخواسته به طور مستقیم در خدمت آن ساخت و آینده سیاسی مطلوبی است که هم اعراب و هم آمریکایی‌ها خواهان آن هستند. به نظر اسرائیل نیز با وجود فشارهای ناشی از آمریکا و اعراب و همین‌طور پیامدهای ناشی از طوفان الاقصی، گریزی جز پذیرش رهبری سیاسی رسمی تشکیلات خودگردان در سرزمین‌های اشغالی در قالب پذیرفتن راهکار دو دولتی ندارد.

اعراب

از ۷ اکتبر به این سو و بعد از گذشت نزدیک به دو ماه از تنش میان حماس و اسرائیل، با وجود جنایات بی‌سابقه این رژیم در نوار غزه، الگوی رفتاری کشورهای عربی منعکس‌کننده سیاست و حتی پیامی درباره

فلسطین است؛ یکی از پیش‌شرط‌های مهم اعراب و به طور خاص کشوری مانند عربستان سعودی، تشکیل دولتی فلسطینی در سرزمین‌های اشغالی است اما رهبر سیاسی فلسطینی‌ها بر پایه دستور کارهای منشعب از پیمان ابراهیم، حماس نیست. از دید آنها رهبری سیاسی فلسطینی‌ها باید به تشکیلات خودگردان، به رهبری محمود عباس سپرده شود اما عملیاتی شدن چنین سناریویی با وجود حماس در غزه دشوار خواهد بود. از سال ۲۰۰۶ به طور پیوسته بر قدرت حماس در سرزمین‌های اشغالی افزوده شده است. در سال ۲۰۰۶ حماس در رقابت با دیگر گروه‌های فلسطینی و به طور خاص، تشکیلات خودگردان از ۱۳۲ کرسی مجلس قانون‌گذاری فلسطین، صاحب ۷۴ کرسی و اکثریت حاکم شد (Barron, ۲۰۱۹).





وزارت خارجه امارات به عنوان دیگر کشور مهم عربی نیز در ۱۰ اکتبر طی پیامی تأکید داشت که: «حملات حماس علیه شهرها و روستاهای اسرائیلی نزدیک نوار غزه، از جمله شلیک هزاران راکت به مراکز جمعیتی، خشونت‌های جدی و ناگوار است. این وزارتخانه از گزارش‌های حاکی از ربودن اسرائیلی‌ها از خانه‌های خود، به عنوان گروگان، شوکه شده است» (Waldo and et al ۲۰۲۳).

در اجلاس فوق‌العاده ۱۰ نوامبر، اتحادیه عرب در عربستان سعودی، اعضا تنها اقدام به تنظیم قطعنامه‌ای درباره محکومیت جنایات کردند. دستور کاری جدی برای فشار بر اسرائیل از سوی اعراب در این نشست ارائه نشد. اعراب با توجه به پتانسیل اتحادیه عرب و شرکت ۲۲ کشور عضو سازمان در این نشست، بدون شک در صورت وجود اراده کافی می‌توانستند با تعیین برخی اقدامات مانند تحریم نفتی اسرائیل و

تحت الشعاع قرار گرفتن پیمان ابراهیم نیست. در ۹ اکتبر، وزارت خارجه بحرین در طی پیامی چنین عنوان داشت: «حملات حماس مسبب تنش خطرناکی است که جان غیرنظامیان را تهدید می‌کند. ما تأسف عمیق خود را برای تلفات بزرگ جانی و مالی و مراتب تسلیت خود را به خانواده‌های قربانیان و آرزوی بهبودی سریع را برای مجروحان اعلام می‌کنیم».

وزارت خارجه کویت و اردن نیز خواهان خویشتن‌داری از طرف‌های درگیر و به طور خاص، اسرائیل برای جلوگیری از آسیب به تلاش‌ها برای کاربست راهبرد دولتی در سرزمین‌های اشغالی شدند.

وزارت خارجه عربستان به عنوان یکی از مهم‌ترین کشورهای عربی نیز چنین عنوان داشت: «پادشاهی دوباره از جامعه بین‌المللی می‌خواهد تا به مسئولیت خود عمل کند و به فعال‌سازی روند جدی صلح بپردازد که به راه‌حل دو کشوری برای رسیدن به امنیت و صلح در منطقه و محافظت از شهروندان منجر شود».

باختری باید تحت یک ساختار حکومتی با رهبری تشکیلات خودگردان فلسطینی احیاشده، متحد شوند». همچنین خبرهایی نیز مبنی بر فشار بایدن به نتانیا هو برای پذیرش راهکار دو دولتی گزارش شده است (Washington Post, ۲۰۲۳).

جمع‌بندی

شواهد و نشانه‌ها حکایت از عدم وقوع تحویلی جدی در میان روابط اعراب و اسرائیل و به طور خاص پیرامون روند عادی‌سازی روابط این دو گروه در قالب پیمان ابراهیم است؛ چراکه پیمان ابراهیم یکی از دستور کارهای مهم آمریکا در حوزه سامانه کنترل نظم در غرب آسیا است که تحت فشار این کشور، اعراب و اسرائیل نیز با آن همراه و هم‌راستا شده‌اند. این روند به طور پیوسته در چند سال گذشته استمرار داشته است و کشورهای عربی، یکی پس از دیگری در حال پیوستن به آن هستند.

به نظر می‌رسد به دلیل فشار ساختاری ناشی از آمریکا، روند عادی‌سازی روابط اعراب و اسرائیل با وقوع نوسانی مقطعی به دلیل عملیات طوفان الاقصی دوباره در آینده نزدیک به حرکت خود ادامه خواهد داد. عربستان سعودی و دیگر کشورهای عربی در صف انتظار، احتمالاً بعد از ثبات نسبی در سرزمین‌های اشغالی، مذاکرات خود با اسرائیل برای پیوستن به پیمان ابراهیم را از سر بگیرند.

مثلاً استراتژیک اعراب، اسرائیل و آمریکا دارای منافع مشترکی در سرزمین‌های اشغالی هستند. هر سه بازیگر، نقشی برای حماس در آینده سیاسی فلسطین در نظر دارند. حماس یکی از خطوط مشترک ارتباطی میان این سه ضلع مثلث است. البته تا قبل از

یا حتی تهدید به خارج شدن و کنار گذاشتن پیوستن به پیمان ابراهیم، اسرائیل را تحت فشار قرار دهند. در اجلاس اضطراری ۱۱ نوامبر، سازمان همکاری اسلامی نیز درباره تحولات جاری سرزمین‌های اشغالی، با وجود پافشاری برخی کشورها مانند ایران، الجزایر و لبنان برای در پیش گرفتن اقداماتی عملی مانند تحریم برای تحت فشار قرار دادن اسرائیل اما با مخالفت برخی کشورهای عربی مانند عربستان، امارات و بحرین، خروجی نشست تنها محدود به محکومیت جنایات و توصیه به برقراری آتش بس بود.

آمریکا

یکی از مهم‌ترین تأثیرات طوفان الاقصی بر دستور کارهای مهم منطقه‌ای آمریکا در غرب آسیا مانند راهکار دولتی، اهتمام هرچه بیشتر این کشور برای به سرانجام رسیدن چنین سیاست‌هایی است. آمریکایی‌ها قبل از وقوع عملیات طوفان الاقصی نیز در ذیل پیمان ابراهیم، چنین سیاستی را دنبال می‌کردند. از نظر آمریکا، شکل‌گیری یک جبهه متحد سیاسی - نظامی با حضور اعراب و اسرائیل در منطقه، نیازمند حل چالش فلسطین است. بدون حل چنین چالشی، امکان وقوع آنتروپی‌های مخرب و آشوب ساز در روابط اعراب و اسرائیل محتمل است.

بایدن در ۱۸ نوامبر ۲۰۲۳ در مقاله‌ای در واشینگتن پست با عنوان «آمریکا از چالش پوتین و حماس عقب‌نشینی نخواهد کرد»، در پاسخ به این پرسش که آیا جهان آینده از «شرارت محض» حماس رهایی خواهد یافت و «اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها با طرح دو کشور برای دو ملت، روزی در کنار هم در صلح و آرامش زندگی خواهند کرد؟ چنین عنوان داشت: «غزه و کرانه



grabs, Middle east eye.

- _ N. Abi-Aad, and M. Grenon (1997), Instability and Conflict in the Middle East: People, Petroleum and Security Threats, Palgrave Macmillan.
- _ Shlaim, Avi (1999), Israel, the Great Powers, and the Middle East Crisis of 1958, Journal of Imperial and Commonwealth History.
- _ Kober, Avi (2006), Great-Power Involvement and Israeli Battlefield Success in the Arab-Israeli Wars, 1948-1982, Journal of Cold War Studies 8(1):20-48.
- _ Kamrava, Mehran (2018), Hierarchy and Instability in the Middle East Regional Order, International Studies Journal (ISJ) / Vol. 14 / No. 4.
- _ Vakil, Sanam and Quilliam, Neil (2023), The Abraham Accords and Israel-UAE normalization, Chatham house.
- _ Yossef, Amr (2021), The Regional Impact of the Abraham Accords, Modern War Institute.
- _ Barron, Robert (2019), Palestinian Politics Timeline: Since the 2006 Election, United States Institute of Peace.
- _ Wafa News agency(2023), <https://english.wafa.ps/Pages/Details/140127>.

عملیات طوفان الاقصی به طور ضمنی و غیرمستقیم، اسرائیل به نظر، بیشتر با حماس همسود تا تشکیلات خودگردان؛ چراکه حماس از اساس، راهکار دو دولتی را نفی می‌کرد. این سیاستی بود که مقبول اسرائیل نیز بود اما حال با وقوع عملیات طوفان الاقصی، این رویکرد اسرائیل نیز متحول شده است.

منابع

- _ Washington Post (2023), Joe Biden: The U.S. won't back down from the challenge of Putin and Hamas.
- _ Waldo, Cleary and et al (2023), International Reactions to the Hamas Attack on Israel, published by The Washington Institute for Near East Policy.
- _ El Kurd, Dana (2023), Assessing the Abraham Accords, Three Years On, published by Arab Center Washington DC.
- _ Zhongmin, Liu(2016), Middle East: Order in Chaos, Outlook of China and World Order in 2016, Middle East Studies Institute of Shanghai International Studies University.
- _ Gill, Joe (2021), Collapse of the Middle East order is under way. The future is up for